



۲۰۱۲/۰۸/۰۳



عبدالحمید سامع

طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد!

(قسمت چهاردهم)

در رابطه با اعمال تروریستی در عرصه بین المللی، منجمه در رابطه با «بمب گذاری» در «مرکز تجارتي بين المللی» در «نیویارک» شخصی بنام «شیخ عمر عبدالرحمن» یک تبعه مصری، که از نگاه سلامتی جسمی «کور» گفته شده، به «حبس ابد» محکوم گردیده است. روز شنبه ۲۹ اگست ۱۹۹۸ میلادی، خبری منتشر می گردد، که گویا جانب مقامات امریکائی معتقد شده اند، شخص متهم دیگری را به داشتن پیوند با انفجار «بمب» در سفارت اضلاع متحده آمریکا در «کینیا»، شناسائی و بازداشت نموده اند. در عین حال مدعی شده اند که ازین شخص معلوماتی بدست آورده اند، که گفته می شود از ارتباطات با «مبارزین اسلامی» «اوساما بن لادن» برخوردار بوده است. شخصی بنام محمد صدیق «اودیبه»، را دومین شخص دانسته اند، که متهم شناخته شده است. بر اساس خبر گزارشگر، به اتکاء به اظهارات مقامات رسمی امریکائی، می نویسد که گویا، محمد صدیق «اودیبه» به عمل خود اعتراف نموده است، به این کار متوصل گردیده، «زیرا پیرو القاعده بوده است».

با شنیدن این چنین اخبار روز تا روز توجه و نگرانی های افکار عامه جهان، خاصاً قدرت های غربی، در عین حال متوجه «طالبان» گردیده، زیرا همزمان با شنیدن چنین اخبار، موضوع اقامت فعلی رهبران متهم به «تروریسم بین المللی»، نیز منتشر می گردید. از جانب دیگر در حلقهات رهبری «طالبان» در افغانستان نیز علاوه از «مشی» بخصوص «افراطی» در داخل افغانستان، خود آنها روز تا روز از طریق افراطیون فعال داخل «جنبش طالبان» بسوی افراطیون خارجی می لغزیده اند.

همه می دانند که در سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ شدت جنگ ها بیشتر در شمال افغانستان و اطراف کابل صورت پذیرفته است. حوادث مزار شریف در سال ۱۹۹۸، مطبوعات جهان و افکار عامه را بخود جلب نموده است. در همان سال هم وقایعی بوقوع پیورست، که بانشر اخبار کشتار های «کتلوی»، موضوعات «جنایات» نیز شامل محتوای گزارشات مطبوعاتی بوده است.

بتاریخ ۱۶ «دسمبر» ۱۹۹۸، بار دیگر از سفر «ابراهیمی» نماینده سازمان ملل متحد، به تهران خبر منتشر شده، این بار از زبان «معاون وزیرارجه ایران، محسن امین زاده» می نویسند، که درین دور سفر بحث، روی «کشته شدن تعدادی از دیپلمات و یک ژورنالیست در افغانستان» و همچنان روی موضوع «تطبیق قطعنامه سازمان ملل متحد در مورد تشکیل حکومت بر پایه های وسیع در افغانستان» روشنی خواهد انداخت.

بسیار حواشی بی شمار چون خبر «تولید گاز عصبی در فابریکه کیمیاوی در سودان»، که آن هم با «اوساما بن لادن» ارتباط داده شده بود و پس از آن به ادعای منابع «امریکائی»، برین دو کشور، راکت های «کروز» فیر گردید، تلاش های «دیپلماتیک»، همچنان طوریکه در قسمت قبلی نیز تذکار یافته است، کسب شدت نمود. از یک طرف تراکم و اعزام ۲۰۰ هزار عسکر ایرانی، به سرحدات افغانستان و تشدید تقاضاهای امریکا از «طالبان»، حالت بغرنجی، در اطراف افغانستان و جهان بوجود آمده بود. اضلاع متحده خواهان، تسلیمدهی «بن لادن» بودند، طالبان او را در ساحت تحت نفوذ خود «مهمان» خواندند. با اشاره با «موقف ضد شوری او» در جنگ علیه قوای شوری، خود «محاکمه نمایشی» اعلان داشتند، در مورد «اتهامات» علیه او، رهبری خواهان تسلیمدهی اسناد، به «محکمه» اعلان شده، نمودند.

در جمله اسناد، یاد شده مقامات امریکائی، از انفجار «بمب» در یکی از محلات نظامی در عربستان سعودی قبلاً در سال ۱۹۹۶ نام برده شده است، که در آن ۱۹ امریکائی در اقامتگاه های «پرسونال» نظامی امریکائی ها، کشته شده بودند. در عین زمان بر اساس گزارش خبری نمایندگی «فرانس پرس»، در یک گزارش سری معلوماتی «شورای امنیت سازمان ملل متحد» روز دو شنبه، آمده است، که نماینده رسمی امریکا به دیپلمات ها اظهار داشته است، که «اوساما بن لادن» در ۱۸ حمله جداگانه در سالهای اخیر دست داشته است.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آن لائن په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دلیکنی دلیکنی بنی پاوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در همین راپور گفته شده است: «بر اساس قانون اضلاع متحده اتهام به تحریک، تهیج و امر به قتل می تواند علیه کسی هم بمیان آید، که مستقیماً در جنایت سهم نداشته باشد، ولی دیگری را به اجرای آن می لغزاند». برخلاف خبر های قبلی در عین گزارش اضافه می گردد، که سخنگوی حکومت امریکا تبصره های مبنی بر اینکه گویا علیه «بن لادن» ادعا نامه صادر شده باشد، رد نموده است.

بر اساس همین راپور «بی.بی.سی» گفته شده است: «پنجشنبه گذشته» مصادف با ۲۰ آگست ۱۹۹۸ «اضلاع متحده به فیر راکت بر اهداف در افغانستان و سودان پرداخت. آنکشور معتقد بوده است که بخشی از شبکه «تروریست» «اوساما بن لادن» در آنجا، جای دارند.»

یک هفته بعد، درست بتاریخ ۲۶ آگست ۱۹۹۸، «بی.بی.سی» در رابطه با «اعتراض پاکستان» علیه فیر راکت خبر داده است. خبر نگار «بی.بی.سی»، «اون بینت- جونز» (Owen Bennet-Jones)، از اسلام آباد چنین گزارش داده است: «اردوی پاکستان اعلامیه را صادر و در آن کوشیده است، تا نقش جنرال امریکائی را روشن سازد. جنرال امریکائی در زمانی به اسلام آباد آمده بود، که اضلاع متحده حمله راکت های «کروز» را بر اهداف در افغانستان انجام داد. درین رابطه دید متضاد در مورد اینکه آیا حکومت اسلام آباد، قبلاً کدام مفکوره و معلوماتی در رابطه با عمل اضلاع متحده داشته است، یا خیر. در صورتیکه چنین معلومات مثبت بوده باشد، آیا کدام مخالفت خود را به اطلاع اضلاع متحده رسانیده است یا نی. بر طبق مقام اردوی پاکستان، معاون رئیس «ستاف» مشترک اضلاع متحده، «جنرال یوسیف رالستون» (General Joseph Ralston)، سه ساعت در میدان هوائی اسلام آباد، در زمانیکه راکت ها فیر شده اند، توقف داشته است. در زمان دیدار کوتاه، او از حضور کشتی های اضلاع متحده در نزدیک آبهای پاکستان، نام برده است.»

«اون بینت- جونز» به ادامه می نویسد: «مقام نظامی پاکستانی می گوید که آنها این اظهارات و ملاحظات را جدی دانسته، فوراً به صدر اعظم نواز شریف گزارش داده و ادعا نمودند که به «جنرال رالستون» گفته اند، که چنین عمل و اشننگتن تضمین شده نمی تواند. «خبر نگار می نویسد که تا حدی مغشوش بنظر می رسید، زیرا «اعلامیه پاکستان ادامه داده، نتیجه می گیرد که جنرال، هیچ دندانه ای از حمله اضلاع متحده نشان نداده است.»

در همین گزارش به ادامه مینویسد: «در اعلامیه پاکستان افاده شده است، که جنرال به مقامات پاکستانی اطمینان داد، که کشتی های امریکائی هیچ خطری را برای پاکستان ببار نمی آورد. ممکن عملی در نظر باشد، که علیه کمپ های تروریستی در افغانستان در نظر گرفته شده باشد.»

«دیپلومات های غربی هدف دیدار جنرال اضلاع متحده را طوری توضیح نموده اند، که این ضروری بوده است، تا بفهمانند، که راکت ها از جانب اضلاع متحده است، نه از جانب هند.»
خبرنگار علاوه می کند: «از زمانیکه هند و پاکستان به سلاح هستوی دست یافته اند، نگرانی قابل محسوس در غرب بوجود آمده است، که سیستم هوشداری هر دو کشور آنقدر فقیر اند که خطر تصادم هر لحظه بین پاکستان و هند، بر اساس فرضیه غلط و یا بد گمانی از هر دو جانب و نیات آنها ممکن است.»

فراموش نباید کرد، که در زمان حکومت «نواز شریف»، (توجه: این شخص را زمانیکه در دهه هشتاد قرن بیست، شخص قدرتمند و شاروال در ایالت پنجاب پاکستان بوده است، یکی از ژورنالیستان پاکستانی او را بعنوان «نوک نیزه»، «آی. اس. آی.» خوانده بود.)، روابط بین حکومت او و «طالبان» همانند سابق خیلی نزدیک بوده است. خود شخصاً در همان زمان، «امنیت ایرا که طالبان در افغانستان» از دید او، برقرار نموده بودند، برای زیر دستان خود و دیگران بعنوان، «سرمشق» توصیه می نمود. بناءً بانفوذ احتمالی ایکه، حکومت او در بین «گروه های مذهبی» و «مدارس» در پاکستان داشته است، در رابطه با فیر راکتها، مظاهرات ضد امریکائی را که صریحاً نمایانگر حمایت از «طالبان» و دوستان بین المللی آنها نیز فهمیده شده می تواند، براه افتاده است.

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

بتاریخ ۲ «دسمبر» ۱۹۹۸، مطلبی را «بی.بی.سی.» تحت این عنوان «اضلاع متحده با افغانستان گپ و مشغول است»، منتشر ساخته است. با پخش این عکس، اعتراض را از اسلام آباد عکاسی نمود است.

بتاریخ ۲۵ «دسمبر» ۱۹۹۹، صفحه «انتر نتی» «بی.بی.سی.»، خبر داد که «طیاره رپوده شده در افغانستان فرود آمد» این طیاره عبارت بوده است، از یک طیاره خط هوایی ملکی هند که در بین میدان ها، پرواز انجام می داده است، بتاریخ ۲۴ «دسمبر» توسط «طیاره ربایان»، تحت کنترول در آورده شده است. این «گروگان گیران» ۱۶۰ انسان را در قید خود داشتند، نخست در «دوبی» و بعد در قندهار نشست می نماید. این حادثه هم، مدتی توجه جهان را به چهره های «طالبان» متوجه می ساخت. جای شک نیست که رهبران آنها را مدتی با خود مشغول ساخته است.

چهره شناخته شده در حادثه زمان توقف «طیاره هند» و موضوع «گروگان ها» در میدان هوایی قندهار، «وکیل احمد متوکل» که بعضاً «مولوی وکیل احمد» نام داده، از قسمت های قبلی هم می دانیم، که از وی بعنوان «عضو عالیترین شورای جنبش طالبان در کویت» یاد می نموده اند. در آغاز سخنگوی «ملا محمد عمر» در قندهار و بعداً بحیث وزیر خارجه، تعیین گردیده است. الی زمان حل موضوع، منظم در کنفرانس های مطبوعاتی، به ژورنالیست ها معلومات می داده است.

صرفنظر از آنکه، مطبوعات، ترکیب های متنوع را از چهره های مختلف بکار می برند، ولی حتی تلاش می



نمایند تا، از سیمای انسانها، طوری استفاده نمایند، که گویا پیرو «مقدسات» معین اند، بدنترتیب راه «فریب» را بگشایند. این سه عکس، در قندهار، در سال ۱۹۹۸

۱۹۹۹/، قریب چهار سال بعد از تسلط «طالبان» بر قندهار و قریب سه سال بعد، بر کابل گرفته شده اند. رنگ و روی این گروه خیلی تازه و «صحتمند» بنظر می رسد. عکس اولی را، «بی.بی.سی.» در میدان هوایی قندهار در جریان معضله «گروگانگیری» و تحت کنترول در آوردن طیاره هندی، یاد نموده است. در مدت «گروگانگیری» از تلف شدن یک انسان، از جانب «گروگانگیران» تذکر بعمل آمده است.

بسیاری از این سه عکس، به ظاهر تا حدی لنگی های سیاه و سفید در مشابهت با سلیقه نسبتاً همگون درک شده می تواند، که با «شاگردان مدارس» دینی که «طالب» نامیده می شوند، وجوه مشترک زیاد فقط در قسمت ریش و رنگ لنگی نشان می دهند. یعنی فقط «لنگی» های سفید از روی رنگ، با سلیقه «طالب محلی» سمت جنوب و جنوب غرب افغانستان، نزدیک است. طرز بستن لنگی متفاوت است. چهره «وکیل احمد متوکل»، که قبلاً نیز ذکر شد، به «تیپ ملا» می ماند. گفته می شود که ممکن ملا هم نباشد. مغالطه ها از منابع مطبوعاتی، بوجود می آید، که نام و هویت بطور مکمل ذکر نمی شود. در یکی از منابع او را عضو عالیترین شورای ملا ها در کویت نام برده اند. معلوم نیست که این شورا، که نام «ملا» یا ممکن «علمای دین» به آن یاد می کنند، چه تعداد و دارای چه خصوصیات و وزنه سیاسی و علمی بوده اند. آیا درین شورا از حلقات متنفذین محلی هم کسی شامل بوده است و یا خیر. رنگ های پارچه های دیگرلباس ها، هم در سابق زیاد عمومیت نداشته است.



وکیل احمد متوکل درین عکس «متوکل حین دیدار با ژورنالیستان، در زمان حادثه گروگان گیری، طیاره هندی»، در میدان هوایی قندهار دیده می شود.

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

نمونه های عکس را بخاطر ترجیح داده ام، تا دیده شود، که این چهره ها، احتمالاً با «طالب» عادی شباهت نداشته باشند. صرفنظر از آنکه هر شاگرد مدرسه را با «ظرفیت جنگی» نمی بینم. «طالبی» را که من، از آوان طفولیت می شناسم، فرزند این وطن، «فرزند معصوم» است. وقتی روی انسانها قضاوت صورت می گیرد، باید فقط و فقط عمل هر یک در نظر گرفته شود. برخلاف ممکن جنگی هایی از قماشها و عادات و اهداف احتمالی گوناگون باشند، که بعداً ترکیب، تصویر «بین المللی»، یعنی اتباع خارجی از کشور های متعدد و قریب از همه قاره ها، بمشاهده رسیده است.

با ذکر دو نمونه فوق، سال ۱۹۹۷ با شدت جنگ، تبادلۀ «اسیران جنگی» و گاهی هم خبر ها «مذاکرات صلح» به نشر می رسیده است. جانب طالبان در عین زمان تلاش می ورزیده اند، تا در عرصۀ بین المللی، حضور خود را ممکن سازند. روز یکشنبه، ۳۰ «نومبر» ۱۹۹۷، «بی. بی. سی.» خبر می دهد که «طالبان خواستار حمایت سعودی» در مورد «عضویت آن در سازمان کنفرانس اسلامی» شده اند. این موضوع از طریق رادیو، که تحت کنترل طالبان قرار داشته است، بقسم خبر در بارۀ پیامی، از جانب «ملا محمد ربانی» عنوانی «ملک فهد»، فرستاده شده است. در عین زمان از عدم اشتراک طالبان در کنفرانس تهران، که قرار بوده است یک ماه بعد دایر گردد، خبر داده شده است. درین کنفرانس، باید بحث روی جنگ افغانستان صورت می گرفت. «بی. بی. سی.» همچنان گزارش میدهد که تا آنزمان فقط سه کشور چون پاکستان، سعودی و «امارات عربی متحد»، رژیم طالبان را برسمیت شناخته است.

طوریکه در قسمت های قبلی نیز تذکر بعمل آمده است، از سال ۱۹۹۶ بیعد، از زمانیکه «طالبان» وارد کابل شده و «شاخص ها» و سمتگیری های معین سیاست خود را بر ملا ساخته اند، بتدریج در سطح داخل و خارج موقف مردم افغانستان در داخل و هم چنان موقف مجامع بین المللی، در برابر «طالبان»، تغییر کیفی نشان داده است. بخصوص موقف آنها در برابر زنان و دختران مایۀ تشویش بوده است



قریب سه سال بعد درست بتاریخ ۲۱ جون ۱۹۹۹، نماینده صلیب احمر بین المللی با هر دو رهبر طالبان از حضور کارکنان آن سازمان، خبر داده این عکس، ملا محمد ربانی، شخص نمبریک ملا محمد عمر در کابل، که خود در قندهار مستقر بود، در صفحۀ «انترنت»، «بی. بی. سی.» به نشر سپرده شده است. (این عکس با لنگی سیاه، همان شخص اول قدرت «طالبان» در زمان ورود به کابل است، که در بالای همین صفحه از مجله شپیگل گرفته شده بود.)

با پیشروی این گروه بسوی شمال، قرار گزارشات مطبوعات، روسیه و کشور های آسیای میانه، عضو اتحاد جمهوری های سابق شوروی را بر آن داشت، تا تدارکاتی را بخاطر جلوگیری از پیشروی بیشتر آنها، در پیش گیرند. علاوه ازین پیشروی ها، وقتی این «حرکت» خطوط معین از مشی خود را اعلان داشت، ذهنیت مردم کشور و



جهانیان نسبت به این «حرکت» که در آغاز از آنها، امید ختم جنگ داشته اند، کاملاً تغییر نمود. پروسۀ برسمیت شناختن این دولت «طالبان» که آنرا «امارت...» نام داده بودند، فقط بعد از سه کشور، یعنی پاکستان، عربستان سعودی و امارات عربی متحد، متوقف گردید. تشویش جهانیان نسبت به آینده روز افزون بوده است. این حکومت روز تا روز بسوی «ردیکالیزم» و در قید سازمان معلوم الحال «القاعده» قرار می گرفت، عاری از احتمال نیست که این پیوندها، توسط حلقات پاکستانی تقویت و رهبری می گردیده است.

بر اساس گزارشات خبری اول فیبروری سال ۲۰۰۰ میلادی، ملا محمد ربانی، که از وی در عین زمان بعنوان «معاون رهبر طالبان» در آن اداره یاد شده است، حین سفرش به پاکستان، در اسلام آباد، طی یک کنفرانس

د پانوی شمیره: له 4 تر5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی



مطبوعاتی و یک اعلامیه گفته است، «که از توافق روی استفاده از خاک پاکستان بحیث راه تجارتي خرسند است. هم چنان با تذکر از ملاقات هایش با جنرال پرویز مشرف، گفته است، که جانب مقابل از تعهدات خویش در امر «اعمار مجدد اقتصاد افغانستان» نیز اطمینان داده، بطور مشخص گفته است، که «کشور از تلاشها، باطرح تأسیس یک حکومت بر پایه وسیع حمایت کامل خواهد نمود». با ملا محمد ربانی در عکس عبدالستار وزیر خارجه پاکستان، دیده می شود. متعاقباً قرار اطلاع منابع خبری، جهت تداوی عازم «دوبی» گردیده است. مطبوعات از تکلیف روحی و روانی اش خبر نشر نموده بود، گمان می رود که در همان سفر فوت شده باشد. وکیل احمد متوکل بتاريخ ۲۴ جنوری سال ۲۰۰۰ میلادی، قریب یک هفته قبل از سفر ملا محمد ربانی، با عبدالستار وزیر خارجه پاکستان در اسلام آباد دیده می شود.

ختم قسمت چاردهم
ادامه دارد

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ